

بررسی دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اساس آیه ۲۱۴ شعراء و ۹۴ حجر

مجتبی محمدی انویق*
ابوالفضل خوش‌منش**

چکیده

دیدگاه مشهور درباره آیات «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» این است که دو آیه مزبور، اشاره به آغاز مرحله جدیدی از دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی اسلام با عنوان دوره دعوت علنی دارد، بنابر این دیدگاه، پس از نزول این دو آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور به پایان دادن به دوره دعوت مخفی و آغاز مرحله دعوت علنی شدند. این دیدگاه، اشکال‌های فراوانی دارد، از جمله اینکه روایات مؤید آن، افزون بر داشتن تعارض‌ها و تناقض‌های درونی، با ترتیب نزول سوره‌های قرآن ناسازگار است، همچنین، این دیدگاه با محتوا و مضامین آیات مزبور در سیاق جزئی و قالب سوره‌های شعراء و حجر و نیز با محتوای دیگر سوره‌های قرآن در بافت‌ها و سیاق‌های کلی‌تر مخالفت دارد. با در نظر گرفتن سیر تاریخی و منطقی آیات و سور قرآن این نتیجه به دست می‌آید که آیات مذکور کمترین ارتباطی با پایان دعوت مخفی و شروع دعوت علنی ندارد. این آیات، بعد از سال ششم بعثت نازل شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده است با وجود مشکلات و موانع بسیار در مسیر تبلیغ اسلام، قاطعانه در استمرار دعوت آشکار خود گام بردارد.

واژگان کلیدی

آیه ۲۱۴ شعراء، آیه ۹۴ حجر، دعوت مخفی، دعوت علنی.

mojtaba.mohammadia@gmail.com
manesh88@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۷

*. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
**. دانشیار دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۴

طرح مسئله

در قرآن کریم دو آیه وجود دارد که اغلب مفسران آنها را ناظر به شروع «دعوت علنی» پیامبر اکرم دانسته‌اند. (بنگرید به: طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۴۷ - ۴۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۵۴۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۳۸۹؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۲ - ۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۱۹۴) طبق این دیدگاه که بر پایه روایات تفسیری استوار است، پیامبر اکرم ﷺ پس از طی دوره سه ساله «دعوت مخفی»، با نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء / ۲۱۴) موظف به دعوت خویشاوندان نزدیک خود به اسلام شد و در نهایت پس از نزول آیه «فَاذْعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر / ۹۴) به تبلیغ همگانی و آشکار پرداخت.

سخن فوق با توجه به موقعیت آیات «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و «فَاذْعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» در ترتیب نزول قرآن کریم - که به ترتیب در سوره‌های شعراء و حجر قرار دارند - و با توجه به مضامین این آیات در سیاق‌های جزئی و کلی، جای مناقشه بسیار دارد. نوشتار حاضر در صدد پاسخ دادن به این پرسش است که آیا دو آیه مذکور، ناظر به شروع «دعوت علنی» پیامبر اکرم ﷺ هستند یا دلالت دیگری دارند؟

الف) آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

روایات تفسیری آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» بیانگر آن است که پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول این آیه، خویشاوندان خود را فراخواند و به اسلام دعوت کرد، در این باره دو دسته روایت وجود دارد که در ذیل به ذکر آنها پرداخته می‌شود.

یک. روایات گروه نخست

دسته نخست از این روایات بیانگر آن است که پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول این آیه افرادی را گرد هم آورد و آنان را به سوی اسلام دعوت کرد، نمونه‌های این روایات عبارتند از:

۱. ابن عباس می‌گوید:

زمانی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، رسول خدا بر فراز کوه صفا رفت و فرمود: ای فرزندان فلان، ای فرزندان عبدالمطلب، ای فرزندان عبدمناف... آیا اگر بگویم در سرایشی این کوه سپاهی است، سخن مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: از تو دروغی نشنیده‌ایم. سپس فرمود: من ترساننده شما از عذابی دردناک هستم. ابولهب گفت: وای بر تو، آیا به‌همین خاطر ما را خوانده‌ای؟ پس سوره «تبت یدا ابی لهب و تب» نازل شد. (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۲۳).

۲. از ابوهیره روایت شده است:

هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای گروه قریش، خود را از آتش نجات دهید که من مالک کوچک‌ترین نفع و ضرری برای شما نیستم. ای گروه بنی کعب، ... ای گروه بنی قصی، ... ای گروه بنی عبد مناف، ... ای فرزندان عبدالمطلب، خود را از آتش نجات دهید که من مالک کوچک‌ترین نفع و ضرری برای شما نیستم. ای فاطمه بنت محمد، خود را از آتش نجات ده که من مالک نفع و ضرری برای تو نیستم ... (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۹۵).

۳. طبرانی و ابن مردویه از ابو امامه روایت کرده‌اند:

هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، رسول اکرم ﷺ خطاب به بنی هاشم فرمود: ای بنی هاشم، خود را از آتش نجات دهید و در آزادی خود بکوشید؛ زیرا من نزد خدا مالک چیزی برای شما نیستم. سپس رو به اهل بیت خود کرد و گفت: ای عایشه و ای حفصه و ای ام سلمه و ای فاطمه بنت محمد و ای عمه رسول خدا، ام زبیر، خود را از خدا خریداری کنید و در آزادی خود بکوشید؛ زیرا من نزد خدا مالک چیزی برای شما نیستم و کاری از من ساخته نیست. (همان: ۵ / ۹۶ و ۹۷)

۴. از ابن عباس نقل شده است:

هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد پیامبر اکرم ﷺ قبيله قبيله نزدیکان خود را به اسلام دعوت کرد. (همان: ۵ / ۹۶)

دو. روایات گروه دوم

روایات دیگر در ارتباط با آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» روایات مشهوری هستند که مربوط به قضیه یوم‌الدار (یوم‌الانذار) می‌شود. طبق این روایات، پس از نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، پیامبر اکرم ﷺ مأمور به انداز خویشاوندان نزدیک خود می‌شود. علی رضی الله عنه به دستور پیامبر، طعامی آماده می‌کند و خویشاوندان را در یک مهمانی گردهم می‌آورد تا فرمان خدا به آنان ابلاغ شود. در این مجلس پس از وقوع اتفاقاتی چند پیامبر اکرم ﷺ لب به سخن می‌گشاید و به قوم خود می‌گوید: «کدام‌یک از شما در امر رسالت مرا یاری می‌کند تا برادر و وصی و جانشین من باشد؟» علی رضی الله عنه اعلام آمادگی می‌کند و پیامبر اکرم ﷺ در نهایت او را به‌عنوان جانشین و برادر خود معرفی می‌کند.

نمونه این روایات عبارت است از:

- ابن عباس از علی علیه السلام نقل کرده است: «هنگامی که آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نازل شد، پیامبر اکرم مرا خواند و فرمود: ای علی، خدا دستور داده است خویشاوندان نزدیک خود را بیم دهم؛ از این رو، سخت در مضیقه قرار گرفته‌ام. می‌دانستم اگر آنان را به این امر بخوانم، برخی را خوش نمی‌آید، به‌همین جهت خاموش ماندم تا اینکه جبرئیل آمد و گفت: اگر کاری را که به آن امر شدی، انجام ندهی؛ پروردگارت تو را عذاب خواهد کرد. پس (ای علی) ظرفی از طعام آماده کن، ران گوسفندی در آن نه و ظرفی از شیر پر کن و سپس فرزندان عبدالمطلب را بخوان تا برای آنان سخن بگویم. علی علیه السلام می‌گوید: فرمان رسول خدا را انجام دادم و آنان را فراخواندم که در آن زمان حدود چهل نفر بودند. عموهای آن حضرت؛ یعنی ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب نیز در مجلس حضور داشتند. زمانی که همه گرد آمدند، طعام را آوردم و پیامبر اکرم تکه‌ای از گوشت را برداشت و به دندان کشید و در اطراف ظرف نهاد و گفت: با نام خدا شروع کنید. همه قوم از آن خوردند و سیر شدند، در حالی که چیزی از غذا کم نشده بود و فقط اثر دست‌هایشان بر آن بود. سوگند به خدا این در حالی بود که تنها یکی از آنان در حالت عادی به اندازه همه غذایی که آماده شده بود، می‌خورد. آنگاه رسول اکرم فرمود: قوم را نوشیدنی بیاور. ظرف شیر را آوردم. همگی از آن نوشیدند و سیراب شدند. این در حالی بود که هر یک از آنها به تنهایی در حالت عادی آن مقدار شیر را می‌خورد. زمانی که رسول خدا خواست سخن بگوید، ابولهب پیش‌دستی کرد و گفت: رفیق‌تان شما را جادو کرد. آنگاه افراد پراکنده شدند و رسول خدا بر ایشان سخن نگفت. فردای آن روز، پیامبر به من فرمود: ای علی، ... طعامی مثل آنچه آماده کرده بودی فراهم کن و دوباره آنان را نزد من بخوان. علی می‌گوید: این کار را انجام دادم و قوم را جمع کردم. آنگاه به‌دستور رسول خدا ظرف غذا را پیش نهادم. همان کاری را که روز قبل کرده بود، انجام داد و آنان از غذا خوردند تا اینکه کاملاً سیر شدند. آنگاه فرمود: ایشان را نوشیدنی بیاور، ظرف شیر را بردم و آنان نوشیدند تا اینکه سیراب شدند. پس از آن، رسول خدا لب به سخن گشود و گفت: ای فرزندان عبدالمطلب، سوگند به خدا در میان عرب کسی بهتر از آنچه را که من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدا به من دستور داده است شما را به‌سوی او دعوت کنم. کدام یک از شما مرا در این امر یاری می‌کند تا برادر و وصی و جانشین من باشد؟ همگی خاموش ماندند و من که از همه آنان از لحاظ سنی کمتر بودم، پاسخ دادم: ای پیامبر خدا من برای این

کار وزیر تو می‌شوم. رسول خدا دست مرا گرفت و گفت: ایشان، برادر و وصی و جانشین من است. سخن او را بشنوید و از وی اطاعت کنید. پس از آن، قوم برخاستند در حالی که می‌خندیدند و با تمسخر به ابوطالب می‌گفتند: به تو دستور داد که از فرزند خود اطاعت کنی. (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۲۲ - ۳۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۹۷).

بررسی روایات تفسیری آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

۱. روایات گروه اول

دسته اول از روایات ناظر به آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، در دوره‌های بعد، به اشتباه از سوی راویان و ناقلان احادیث با این آیه مرتبط دانسته شده است.^۱ قرینه این سخن، روایتی است که داستان مشابه؛ یعنی رفتن پیامبر اکرم ﷺ بر فراز کوه صفا و دعوت مردم را بدون اشاره به آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نقل کرده است. در این روایت، ابن عباس می‌گوید:

روزی پیامبر اکرم بر فراز صفا رفت و گفت: «یا صباحاه»، قریش نزد او گرد آمدند. پیامبر فرمود: اگر به شما خبر دهم که دشمن صبح یا شام به شما یورش می‌برد، آیا گفته مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: بلی، رسول اکرم فرمود: من ترساننده شما از عذابی دردناک هستم. در این لحظه ابولهب گفت: وای بر تو، آیا برای همین ما را خوانده‌ای؟ سپس سوره «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ» نازل شد. (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۱۹)

اشکالی که در تطبیق این روایات با آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» وجود دارد این است که آیه، انذار را متوجه عشیره نزدیک پیامبر کرده است؛ حال آنکه در برخی از این روایات از جمله در روایت پایانی، اشاره به انذار قریش به صورت عام شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۳۴) در اینجا ناسازگاری میان آیه و روایات مشهود است. عشیره نزدیک پیامبر اکرم، فرزندان عبدالمطلب یا فرزندان هاشم هستند، حال آنکه برخی از این روایات تصریح دارد که پیامبر اکرم ﷺ قبیله قبیله مشرکان را به سوی اسلام دعوت کرده است. (همان) در برخی از این روایات آمده است که پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، همسران و خانواده خود از جمله عایشه، حفصه، ام سلمه و فاطمه را به اسلام دعوت کرده است، حال آنکه این آیه به اتفاق دانشمندان، مکی است. حضور همسران پیامبر اکرم ﷺ در این روایات چگونه قابل توجیه است

۱. این روایات نمی‌توانند با آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» مطابقت داشته باشند؛ زیرا از لحاظ محتوایی سازگاری لازم را با یکدیگر ندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۳۴)

در حالی که پیامبر اکرم ﷺ در مدینه با آنان ازدواج کرده است و دخترش فاطمه نیز در آن هنگام سن و سال چندانی نداشته است که پیامبر او را به این صورت مورد خطاب قرار دهد و به اسلام دعوت کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۳۵؛ حسنی، بی تا: ۱۲۴) علاوه بر این، همسران رسول خدا، مسلمان بودند و دعوت آنان برای نخستین بار به دین اسلام وجهی نداشته است.

۲. روایات گروه دوم

روایات دسته دوم که اشاره به جلسه انذار خویشاوندان و قضیه یوم الدار (یوم الانذار) می کنند، روایات صحیح و قابل قبولی هستند، اما نمی توان آنها را ناظر به شروع دعوت علنی پیامبر اسلام ﷺ در نزد خویشاوندان دانست. قرینه های درونی این روایات، مؤید این مطلب است. این روایات به وضوح بیان می کنند که ابولهب بلافاصله پس از صرف غذا و قبل از آنکه رسول خدا سخنی بگوید، بر آن حضرت پیشی گرفته و او را متهم به سحر کرده است. این مطلب نشان از آگاه بودن آنان از دعوت اسلامی دارد. (یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۰۸) ابولهب در جلسه خویشاوندان نزدیک، قبل از اینکه پیامبر اکرم ﷺ سخنی بگوید، دشمنی خود را با آن حضرت آشکار می کند، حال آنکه در صورت آگاه نبودن او از محتوای رسالت پیامبر، چنین خصومتی از سوی او در آن مهمانی بی مورد بود. محتوای جلسه ای که روایت از آن سخن می گوید به هیچ وجه با دعوت اولیه به سوی اسلام سازگار نیست؛ روایت مورد نظر بیانگر آن است که پیامبر در این جلسه برای خود جانشین تعیین کرده است، در حالی که اگر قضیه دعوت نخستین بود آن حضرت باید آنان را به پذیرش اسلام و اقرار به رسالت خود دعوت می کرد و در این باره از آنان بیعت می گرفت (همان).

در برخی از این روایات آمده است که پیامبر اکرم ﷺ پس از صرف غذا به مهمانان گفته است: ای فرزندان عبدالمطلب، من به صورت خاص به سوی شما و به صورت عام به سوی مردم مبعوث شده ام. (طبری، ۱۴۱۲: ۲ / ۳۲) چنین تعبیری مخالف با آموزه های قرآنی و روح دعوت اسلامی است که همواره به عدم تبعیض بین نزدیکان و بیگانگان تشویق کرده است. لازم به ذکر است که در ادامه، در ارتباط با امر به انذار خویشاوندان به صورت خاص از سوی قرآن کریم و تفسیر صحیح آن مطالبی بیان خواهد شد.

تفسیر صحیح آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

«وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، آیه ۲۱۴ سوره شعراء است. اشکال های مهم و اساسی هر دو دسته از روایات وارد شده درباره این آیه، این است که روایات مذکور با ترتیب نزول سوره شعراء و نیز با محتوای آیات این سوره و آیات نازل شده قبل از آن همخوانی و تناسب ندارند.

بر اساس روایات ترتیب نزول، سوره شعراء در مرتبه چهل و هفتم قرار دارد. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۶)

بسیار بعید است که در طول سه سال دعوت مخفی، این اندازه از قرآن نازل شده باشد، خاصه آنکه گروهی که اصرار بر «دعوت مخفی» دارند بعضاً بر فترت وحی در سه سال نخست بعثت نیز تأکید می‌کنند. (بنگرید به: طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۰۰ - ۳۹۹) تعداد کلمات قرآن نیز تا سوره چهل و هفتم تقریباً ۱۵۰۰۰ کلمه است که چیزی حدود یک پنجم از کل قرآن را شامل می‌شود که باز احتمالی بعید و دور از ذهن است.

از لحاظ محتوایی نیز آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نمی‌تواند ناظر به ابتدای دعوت علنی باشد؛ زیرا پیش از نزول این آیه در همین سوره شعراء و در سوره‌های قبل از آن، آیاتی نازل شده‌اند که به‌صراحت تمام دلالت بر آشکار بودن دعوت اسلامی در زمان نزول خود دارند. از جمله آنها می‌توان به آیات سوره‌های طه و واقعه اشاره کرد.

آیات آغازین سوره شعراء به‌روشنی دلالت بر آشکار بودن دعوت اسلام در زمان نزول خود دارند. این آیات، بیانگر نهایت تلاش پیامبر اکرم ﷺ در جهت ایمان آوردن مشرکان مکه هستند: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * إِنْ نَشَأْ نُثِرَلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَافُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ * وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ * فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (شعراء / ۶ - ۳). آیات مذکور، تقابل پیامبر و مشرکان مکه را به تصویر می‌کشند و بیان می‌کنند که مشرکان در مقابل تلاش پیامبر برای هدایت آنان، دست به تکذیب و استهزاء می‌زدند و دعوت آن حضرت را نمی‌پذیرفتند.

سوره شعراء با پیوستگی خاص خود سنن قرون پیشین را به‌صورت تطبیقی و مقایسه‌ای با نظم و ترتیبی شگفت در کنار هم آورده است. این سوره علاوه بر ذکر دعوت شماری از پیامبران پیشین، در پایان از دعوت و تبلیغ پیامبر اسلام به‌عنوان خاتم انبیاء سخن می‌گوید، دعوتی که عصاره دعوت‌های پیشین و برتر و موفق‌تر از آنها است. خدا در این سوره هنگامی که به ذکر دعوت پیامبر اکرم ﷺ می‌رسد، تعبیری بس بزرگ‌تر و بس والاتر به‌کار می‌برد، چنان‌که اگر موسی ﷺ در آغاز سوره از «وَيَصْنَعُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي» می‌گوید؛ خدا در اواخر سوره شعراء - قبل از دعوت پیامبر به انذار خویشان خود - از «وَأَنْتَ، لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (شعراء / ۱۹۵ - ۱۹۲) سخن می‌گوید. آیات سوره شعراء کمترین تناسبی با موضوع دعوت مخفی ندارند. بیان سراسر سوره، بیم و انذار است، نه ملاحظت و ملاحظه شخصی. همچنین سوره واقعه که در ترتیب نزول، قبل از سوره شعراء قرار دارد، (رک: ابن‌ضریس، ۱۴۰۸: ۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱) کوچک‌ترین نشانی از دعوت مخفی ندارد.

پیش‌تر گذشت که در ارتباط با تفسیر آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، دسته نخست روایات - یعنی روایاتی که می‌گویند رسول اکرم ﷺ پس از نزول این آیه به بلندی رفته و مردم را قبیله قبیله به اسلام دعوت کرده است - ناظر به واقعه‌ای مستقل است که به مرور زمان، به اشتباه، در ارتباط با این آیه به‌کار رفته است.

روایات دسته دوم نیز که می‌گویند پیامبر، چهل تن از خویشاوندان خود را در یک مهمانی گرد آورد و در انتها، علی علیه السلام را به جانشینی انتخاب کرده است، هرچند روایات درستی است؛ اما نمی‌تواند ناظر به ابتدای دعوت علنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد؛ زیرا با توجه به نکاتی که گفته شد، آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نه در سال سوم بعثت نازل شده و نه می‌تواند ناظر به ابتدای دعوت علنی خویشاوندان باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از نزول این آیه، بارها خویشاوندان خود را به اسلام دعوت کرده بود و آنان کاملاً با رسالت آن حضرت آشنایی داشتند. امر به کار رفته در آیه، امر به آغاز دعوت نیست؛ بلکه امر به انذار است. کاری هم که رسول خدا در آن جلسه انجام داد منطبق با دعوت اولیه نبود؛ زیرا آن حضرت خویشاوندان نزدیک خود را فراخواند و از میان آنان برای خود وزیر و جانشین انتخاب کرد و به این شکل، با آنان اتمام حجت کرد. از امر به انذار خویشاوندان در آیه نمی‌توان دعوت ابتدایی را نتیجه گرفت؛ زیرا انذار، مخصوص دعوت اولیه به سوی چیزی نیست؛ انذار و تبشیر، یک امر مستمر است که همواره در طول دوران رسالت پیامبر وجود داشته است. لفظ انذار در آیات مدنی نیز به کرات به کار رفته است. (برای نمونه بنگرید به: بقره / ۶)

ذکر خویشاوندان نزدیک در آیه، علی‌رغم گفته برخی از روایات به معنای اعمال تبعیض بین خویشان پیامبر و دیگر افراد نیست، بلکه بیانگر آن است که در دعوت الهی تساهل و تسامح و مراعات نزدیکان جایگاهی ندارد. امر به انذار بستگان نزدیک پیامبر، نشان از یکسان بودن اطرافیان دور و نزدیک از نظر اسلام دارد. در واقع آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نه یک امتیاز، بلکه نوعی تهدید برای خویشاوندان پیامبر بود و نمی‌توان از آن، شروع دعوت اسلام از خویشاوندان پیامبر را نتیجه گرفت. این آیه به معنای دفع توهم تساهل و نرمی و تبعیض در قبال خویشاوندان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۳۲۲؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۸ / ۱۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۳۲۹ - ۳۲۸)

زمان و مکان نزول آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

در تفسیر فرات کوفی، روایتی از ابورافع وارد شده است که دلالت دارد مکان برگزاری جلسه انذار خویشاوندان در شعب ابوطالب بوده است.^۱ ابورافع می‌گوید: «رسول خدا فرزندان عبدالمطلب را در شعب - در حالی که آنان در آن زمان چهل مرد بودند - گرد آورد و برای آنان پای گوسفندی را آماده نمود ...» (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۰۳). یکی از محققان بر اساس این روایت، تاریخ انذار خویشاوندان نزدیک از سوی پیامبر را پس از

۱. ظاهراً ابورافع، راوی ناظر و بی‌واسطه در جلسه انذار بوده است. این شخص، غلام عباس بن عبدالمطلب و جزء میهمانان حاضر در جلسه بود. (یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۰۸)

محاصره اقتصادی مسلمانان از سوی قریش و در سال ششم هجری^۱ محتمل دانسته است. (بنگرید به: یوسفی غروی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۰۷) در این باره باید گفت که هرچند روایت ابورافع صرفاً گویای مکان گردهمایی خویشاوندان (شعب ابوطالب) است و از محاصره مسلمانان در شعب و زمان وقوع این جلسه سخنی نگفته است، با این حال، معجزه‌ای که در این جلسه به وقوع پیوست و چهل نفر از فرزندان عبدالمطلب با مقدار کمی طعام - آن هم طعامی که در آخر همچون وضعیت اول خود باقی ماند - کاملاً سیر شدند، احتمال این نظریه را که انذار خویشاوندان در شعب ابی‌طالب و در حین محاصره اقتصادی انجام گرفته باشد، افزایش می‌دهد؛ زیرا مطابقت معجزه با وضعیت موجود در شعب که مسلمانان در فشار اقتصادی قرار داشتند، روشن‌تر می‌نماید و همان‌گونه که می‌دانیم بهترین معجزات، معجزاتی هستند که مطابق با شرایط و نیازهای جامعه باشند. (خویی، بی‌تا: ۴۱ - ۴۰) درواقع، معجزه غذا از یک سو و انتخاب جانشین از سوی دیگر در شعب ابوطالب مشرکان را دچار یأس و اندوه و در مقابل، انگیزه مسلمانان را دوچندان می‌کرد. با توجه به مطالبی که گفته شد، آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» پس از سال ششم بعثت و در زمان محاصره مسلمانان از سوی کفار در شعب ابوطالب نازل شده است.

با توجه به فراهم شدن غذا از سوی امیرمؤمنان علی علیه السلام به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جلسه انذار خویشاوندان و با در نظر گرفتن اعجاز‌آمیز بودن طعام فراهم شده و در نهایت، اعلام جانشینی امام علی علیه السلام از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمامی محتوای آن جلسه از ابتدا از سوی پیامبر اسلام به طرز دقیقی برنامه‌ریزی شده بود. با توجه به موارد فوق و با توجه به تحریم اقتصادی مسلمانان از سوی قریش در هنگام وقوع این جلسه می‌توان به شرایط کلی حاکم بر جلسه و تأثیر مثبت آن در آن دوره پی برد.

(ب) آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»

روایات تفسیری آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» گویای آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدا به صورت پنهانی مردم را به سوی اسلام دعوت می‌کرد تا اینکه این آیه نازل شد و دستور به علنی کردن دعوت داد، در ذیل به پنج نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

رسول خدا پنج سال در مکه به صورت پنهانی مردم را به اسلام دعوت کرد در حالی که

۱. بنا به قول مشهور، تحریم مسلمانان در شعب ابوطالب در سال هفتم بعثت انجام گرفته است؛ (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱ / ۲۰۹) برخی نیز سال ششم بعثت را آغاز این تحریم دانسته‌اند. (بنگرید به: عاملی، ۱۴۲۴: ۶۰)

علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام همراه او بودند. آنگاه خداوند به آن حضرت دستور داد دعوت خود را علنی کند. پس از آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آشکار شد و دعوت خود را علنی کرد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۳۴۴)

۲. عبیدالله بن علی به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است:

پیامبر اسلام پس از نزول وحی، به مدت ۱۳ سال در مکه اقامت داشت که سه سال آن به صورت پنهانی و همراه با ترس بود. او در این مدت، دعوت خود را آشکار نمی کرد تا اینکه خدا به او دستور داد آنچه را که بدان امر شده، آشکار سازد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۳۴۴ - ۳۴۵)

۳. عیاشی در تفسیر خود از امام صادق علیه السلام آورده است:

رسول خدا چند سال در مکه دعوت خود را کتمان می کرد و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام نیز همراه او بودند. سپس خدا به او دستور داد امر خود را آشکار کند. پس آن حضرت آشکار شد و خود را در مقابل قبایل عرب قرار داد. زمانی که پیامبر اکرم آنان را به اسلام دعوت کرد، گفتند: ای دروغگو از ما فاصله بگیر. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۵۳)

۴. طبری در تاریخ خود گزارشی را از عبد الرحمن بن قاسم از پدرش آورده است که گفت:

به رسول خدا دستور داده شد آنچه را که از جانب خدا بر او نازل می شود، آشکار کند و مردم را از رسالت خویش باخبر سازد و آنان را به سوی خدا دعوت کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدای رسالت به مدت سه سال مخفیانه به سوی اسلام دعوت می کرد تا اینکه خدا به او دستور داد دعوت خویش را علنی نماید. (طبری، ۱۳۸۷: ۲ / ۳۲۲)

۵. از ابن عباس نقل شده است:

پیامبر اکرم مأموریت خود را به صورت پنهانی انجام می داد تا اینکه آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» نازل شد، پس از آن بود که رسول خدا و یاران آن حضرت، امر خود را آشکار کردند.

بررسی روایات تفسیری آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»

روایات تفسیری آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» بیانگر آن است که آشکار شدن دعوت اسلام پس از مرحله دعوت مخفی، همراه با نزول این آیه بوده است. این در حالی است که آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» در سوره حجر قرار دارد که بر اساس روایات ترتیب نزول، در جایگاه پنجاه و

چهارم است. (معرفت، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۱۱) اگر دوران دعوت مخفی پیامبر، سه سال به طول انجام باشد، بسیار بعید است تا آن زمان در طول این سه سال، ۵۳ سوره از قرآن نازل شده باشد. این مقدار بر اساس کلمات محاسبه شده، چیزی حدود ۲۵۰۰۰ واژه است که تقریباً ثلث قرآن را در بر می‌گیرد، بنابراین، همان اشکالی که به روایات تفسیری آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» وارد بود، بر این روایات نیز، البته در مقیاس بیشتری وارد است.^۱

مضامین آیات نازل شده قبل از «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»، نافی نزول این آیه در ارتباط با آغاز دعوت علنی است؛ زیرا محتوای این آیات، نشان می‌دهد که قبل از نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» دعوت پیامبر اکرم به صورت علنی بوده است. برای نمونه آیات ابتدایی سوره حجر، نه تنها نشانی از «دعوت مخفی» ندارد، بلکه در این آیات، مقابله مشرکان با دین الهی کاملاً آشکار است. در آیات نخست این سوره، تهدید شدیدی متوجه کفار شده و همچنین تصریح شده است که مشرکان، دعوت پیامبر اسلام را نمی‌پذیرفتند و به آن حضرت، نسبت جنون می‌دادند:

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ * لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَأَنكِرَةِ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ.

(حجر / ۶ و ۷)

در آیات پایانی سوره یوسف نیز که در ترتیب نزول، پیش از سوره حجر قرار دارد (بنگرید به: ابن ضریس، ۱۴۰۸: ۳۴؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۱۱)، مطالبی بیان شده است که محتوای آنها با حال و هوای دعوت مخفی ناهمخوان است (بنگرید به: یوسف / ۱۱۱ - ۱۰۲). این آیات، نشان می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ در آن زمان، حریصانه مشغول دعوت کافران به اسلام بوده است. ادامه آیات مزبور، به رویگردانی مشرکان از آیات خدا اشاره و آنان را به عذاب تهدید کرده است.

تفسیر صحیح آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»

فعل امر «فاصدع» از ریشه «صدع» به معنای «شکافتن» است. (بنگرید به: ابن درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۶۵۳؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۳ / ۱۲۴۱). «صَدَعٌ بِالْحَقِّ»؛ یعنی: «او حق را آشکار کرد و بین حق و باطل تمایز داد». (زمخشری، ۱۹۷۹: ۱ / ۳۵۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۹۶). در مورد عبارت «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» معانی مختلفی ذکر شده است. فیروزآبادی در قاموس خود می‌گوید:

۱. بررسی کمی آیات قرآن کریم تنها می‌تواند یک قرینه در کنار سایر دلایل باشد. افزون بر این، اشکال مورد نظر، تنها به قول مشهور - که دعوت مخفی را سه سال می‌داند - وارد است و شاید درباره روایاتی که دوران دعوت مخفی را حدود پنج سال دانسته‌اند، نتوان بدین گونه استدلال کرد.

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ به این معنای است که جماعات مشرکان را با توحید بشکاف یا قرآن را با صدای بلند قرائت کن یا آن را آشکار کن یا به حق داوری کن و حق را با باطل درنیامیز یا به آنچه مأمور می‌شوی بپرداز یا به وسیله آن بین حق و باطل جدایی اندازه. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۳ / ۶۴)

برای فهم بهتر این آیه لازم است سیاق آن بررسی شود. توجه به سیاق در فهم کلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای فهم دقیق سخن، چه گفتاری و چه نوشتاری نیاز است که به قرینه‌های همبافتی موجود در کلام توجه شود. توجه به سیاق، اصلی عقلایی است که در همه زبان‌ها به آن ترتیب اثر داده می‌شود. (بابایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۰) فهم صحیح قرآن نیز همچون سایر متون، نیازمند فهم درست سیاق است. حال با توجه به سیاق آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» باید گفت که این آیه علی‌رغم بیان برخی از روایات و بر خلاف تصور عمومی، در حقیقت، دستوری در جهت استمرار دعوت الهی و توجه نکردن به خواسته‌های مشرکان است، نه اینکه اشاره به شروع دعوت علنی اسلام داشته باشد. (بنگرید به: دروزه، ۱۳۸۳: ۴ / ۶۰)

سیاق آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» در آیه ۹۹ - ۸۰ نمایان شده است. در این آیات مشاهده می‌شود که آیات قبل و بعد آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» بیانگر آن است که پیش از نزول این آیات، پیامبر اکرم انذار داده بود و در نتیجه، گروهی ایمان آورده و گروهی دیگر جاده عناد و لجاجت پیش گرفته بودند. در آیه ۸۸ از این سیاق، خدای متعال از پیامبر اکرم ﷺ خواسته است تا پر و بال رحمت خود را بر مومنان امت بگستراند. سیاق، نشان از آن دارد که این آیات در شرایطی نازل شده‌اند که عده بسیاری از مشرکان مکه در مقابل پیامبر اسلام قرار گرفته بودند و عملاً مرز بین اسلام و کفر شناخته شده بود. سیاق آیات، مخالف با نزول آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» در ابتدای دعوت عمومی است. آیه ۹۱: «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» اشاره می‌کند که قبل از نزول این آیات، مشرکانی در مکه بودند که به دستورات الهی ایمان نمی‌آوردند و تنها بخش‌هایی را که مطابق با میل آنان بود، می‌پذیرفتند.

در آیات بعد، از «مستهزین» سخن گفته شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورت مخفی بودن دعوت پیامبر در سه سال آغازین رسالت، وجود این استهزا کنندگان - که اسامی آنان در روایات آمده است (بنگرید به: بیهقی، ۱۴۰۵: ۲ / ۳۱۸ - ۳۱۶؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۲۴) - چه معنایی دارد؟!

خدا در آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» از پیامبر خود خواسته است علی‌رغم تمسخر و مخالفت مشرکان و میل قلبی کافران به تساهل و تسامح در ارتباط با تبلیغ دین اسلام، به سخنان آنان اعتنا نکند و همواره آنچه را که به آن امر می‌شود، به روشنی اعلام کند. در این آیه، نوعی پیوستگی به چشم

می‌خورد، به این معنا که خدا به پیامبر خود دستور می‌دهد آیات قرآن کریم و هر پیامی را که از ناحیه خدا دریافت می‌کند، به صورت کامل به مردم منتقل کند. این آیه در واقع پاسخی قاطع به مشرکان است - به مشرکانی که انتظار ملائمت و کوتاهی در تبلیغ اسلام از سوی پیامبر اکرم ﷺ را داشتند - و از این حیث می‌تواند مشابه سوره کافرون تلقی گردد که قاطعانه و با لحنی استوار در برابر خواسته‌های مشرکان اعلام موضع کرده است.

تعبیر «مَا تُؤْمَرُ» در قرآن کریم

تعبیر «مَا تُؤْمَرُ» در موضع دیگری از قرآن نیز به کار رفته است که توجه به آن می‌تواند تا حدی به فهم ما از آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» کمک کند، در آیه ۱۰۲ سوره صافات آمده است:

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ
سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

در این آیه، عبارت «افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ» در حالت استمراری است، به این معنا که ابراهیم ﷺ زمانی که نظر اسماعیل ﷺ را درباره فرمان خدا بر ذبح او جویا شد، اسماعیل پاسخ داد: «پدر جان، آنچه را که به آن امر می‌شوی انجام بده.» نکته این است که اسماعیل ﷺ با علم به اینکه پدرش ابراهیم ﷺ در مقام پیامبری قرار دارد و همواره باید تابع دستورات الهی باشد، به صورت عام به پرسش پدر پاسخ می‌دهد و به او می‌گوید: «هر آنچه را که بدان امر می‌شوی انجام بده.» به دیگر سخن، اسماعیل ﷺ به اصل وظیفه پیامبران؛ یعنی انجام دستورات الهی در همه حال توجه می‌کند که در مورد حضرت ابراهیم ﷺ، دستور به ذبح فرزند تنها یکی از آنها بوده است.

عبارت «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» نیز دلالت بر امری عام دارد، به گونه‌ای که از پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد همواره و به طور مستمر، دستورهای خدا را اجرا کند و در جهت تبلیغ آنها قدم بردارد. آیه مورد نظر از این حیث با آیات دیگری که اشاره به ابلاغ امر خاصی از سوی رسول اکرم ﷺ دارد، متفاوت است. برای نمونه، در آیه ۶۷ سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، امری که قرار بود پیامبر به مردم ابلاغ کند، امری خاص و مشخص از جانب خدا بود، حال آنکه در آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» چنین نیست، به همین دلیل، فعل پس از امر در آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ»، به شکل مضارع و در آیه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» به شکل ماضی به کار رفته است، پس آیه «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» اشاره به آشکار کردن امری خاص از سوی پیامبر اکرم ﷺ ندارد که بتوان روایات موجود را بر آن تطبیق داد.

نتیجه

۱. آیات «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»، پس از سال ششم بعثت نازل شده است و ارتباطی با پایان «دعوت مخفی» یا شروع «دعوت علنی» ندارد. نتیجه مذکور، بر خلاف دیدگاه مشهور است که نزول این آیه را پس از سال سوم بعثت و در ابتدای دوره «دعوت علنی» پیامبر اسلام می‌داند.
۲. آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» که در شعب ابوطالب نازل شده است، در واقع هشدار جدی به خویشاوندان نزدیک پیامبر اکرم ﷺ و به طریق اولی، سایر افراد بود. این آیه، دلالت بر شروع دعوت پیامبر اکرم ﷺ از خویشاوندان نزدیک ندارد. پس از نزول آیه مزبور، پیامبر اکرم ﷺ خویشاوندان خود را در شعب ابوطالب انداز داد و سپس با معجزه طعام و انتخاب جانشین، مشرکان را مأیوس کرد.
۳. آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» اشاره به آشکار کردن امر خاصی همچون دعوت اسلامی از سوی پیامبر اکرم ﷺ ندارد، بلکه این آیه در حقیقت دستوری در جهت استمرار دعوت الهی و توجه نکردن به خواسته‌های مشرکان است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق)، ۱۳۹۵ ق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتب العربی.
- ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸ م، جمهره اللغه، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن سعد، محمد، ۱۹۶۸ م، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر.
- ابن ضریس، ابو عبدالله محمد بن ایوب، ۱۴۰۸ ق، فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکه و ما أنزل بالمدينة، دمشق، دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- بابایی، علی اکبر، غلامعلی عزیزی کیا، مجتبی روحانی راد، زیر نظر محمود رجبی، ۱۳۸۸، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۴۰۵ ق، *دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشریعه*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ ق، *الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)*، بیروت، دار العلم للملایین.
- حسنی، هاشم معروف، بی تا، *سیره المصطفی نظره جدیده*، بیروت، دار التعارف.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نورالثقلین*، قم، اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم، بی تا، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- ذهبی، شمس الدین، ۱۴۱۳ ق، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، بیروت، دار الکتب العربیه.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۹۷۹ م، *أساس البلاغه*، بیروت، دار صادر.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- _____، ۱۴۲۱ ق، *الإتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دار الکتب العربیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ ق، *تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)*، بیروت، دار التراث.
- _____، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، ۱۴۲۴ ق، *ظلامه اَبی طالب*، بیروت، مرکز الإسلامی للدراسات.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۵ ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۴۱۷ ق، *موسوعه التاریخ الإسلامی*، قم، مجمع الفکر الإسلامی.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ